روزگار یک داوطلب

شقایق یوسف

شارمین میمندی‌نژاد*

● یوسف همان‌طور که نشسته بود، بر کتف راستش فروریخت و سرش را با اندوهی تمام در آن مه هروئین بالا گرفت و بغض‌کرده، حرف‌هایش را ادامه داد: «بعد از تولد شقایق، بانو هم خیلی کمک کرد که ترک کنم، اما نشد. ۱۰ بار هم که شما مرا بردید. لامصب عاجزم کرده». شقایق هشت‌ساله، چُرده و نحیف با سوءتغذیه تمام درحالی‌که از سنش کوچک‌تر می‌آمد، با چشمانی زمردین و موهایی گندمگون، به وهم هروئین پدر خیره مانده بود «توکل به خدا! شما مرد جبهه و جنگید. حتما می‌تونید ترک کنید». این را یکی از اعضای جمعیت امام علی (ع) دلسوزانه به یوسف گفت. در آن زمستان زیر صفر سال ۱۳۷۹ تنها عرق‌گیر پاره‌ای بر تن داشت. سیگاری گیرانده بود و حالا پک‌های تندتری به آن می‌زد، انگار هروئین داشت در خونش اثر می‌کرد. کم‌کم به حال نشئگی می‌افتاد و به‌اصطلاح مغزش چت می‌کرد روی پرگویی. «به قول گفتنی، رفیق ناباب بود. گفت واسه زخمِ جنگِ من درمون داره. گفت یه دود بگیر، گفتم اهلش نیستم. تو جبهه هم کم دود نگرفتیم. گفت این مردافکنه. دیدم مَردیم رو زیر سؤال می‌بره. خواستم برای اینکه کم نیارم و روش کم بشه، یه دود بگیرم بره پی کارش. یه کام که گرفتم، مردافکنی مال یه دقیقه‌ش بود، خودم رو که دراز کرد، خونه و خونوادم رو هم افکند. دوای درد نبود، درد بی‌درمون بود. با کلمه یاران، به عکس بی‌قاب و شیشه همسرش که بانو خطابش می‌کرد، اشاره زد که در نمور طاقچه، بی‌رنگ‌ورو و زرد شده بود. مشخص بود که یوسف نمی‌تواند ترک کند. از خانه‌ای که سال‌ها در و پیکرش را تکه‌تکه کَنده و برده و فروخته بود، از یخچال نداشته، از اجاقی که لحظه‌ای بر آن غذایی گرم شود، از نبود تلویزیونی که کودکش را سرگرم کند یا حتی دستشویی برای دست‌شستن، یا یکی آینه برای دیدن این‌همه ژولیدگی و ژنده‌پوشی. هیچ‌چیز در خانه نبود، جز اسباب اسقاط و انبوهی از زباله که مشخص بود با ذهنی بیمار در خانه جمع آمده است. یوسف آن روز بعد از چندین‌بار اصرار، از ما خواسته بود بیاییم و شقایق کوچک را از پیش او به بهزیستی ببریم. «نمی‌تونم ترک کنم. عاجزم. ۱۰،۱۲ساله زندگیم دود شده رفته. من پدر خوبی نیستم برای شقایق. تو رو خدا ببرینش. نذارید زندگی این بچه رو هم دود کنم بره». حرفش را پذیرفته بودیم به خاطر آنکه هرازچندگاه، جای درد و داغی بر دست و صورت شقایق می‌دیدیم. یوسف که عاشق دخترش بود، وقتی او را ناآگاه می‌آزرد، خود را نیز با عذاب وجدان بر در و دیوار می‌کوبید. خانه نیز دیگر امن نبود و پاتوق معتادانی شده بود که در بنگ‌ومنگ پدر، تهدیدی جدی برای شقایق بودند. روزی که شقایق را می‌بُردیم، پدر با مهری تمام موهای دخترش را شانه می‌زد و می‌بویید و می‌بوسید. به شقایق گفته بودیم به پارک می‌رویم و زود برمی‌گردیم. وقتی سوار ماشین رفتن شدیم، یوسف بر بالای انبوهی از زباله، سخت می‌گریست، سخت فریاد می‌زد. تابه‌حال کسی را چنین زار و درهم‌شکسته ندیده‌ام. نیل اشک‌هایش از پشت، فرعون وجودت را می‌گرفت و غرقابه می‌کرد، تمامت می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که در اوج دل‌مردگی و خستگی، نعش وجودت به هر ساحلی می‌رسید. چند روز گذشت. دوباره رفتیم پیش یوسف تا ببینیم بدون شقایق چه می‌کند. نبود. نیست شده بود. آن‌قدر گشتیم تا فهمیدیم یوسف، مفقودالاثر شهر درد و دود شده است.

*مؤسس جمعیت امام علی

عکس: ایرنا

یک روز در دانشگاه علوم قضایی؛ جایی که قضات آینده را پرورش می‌دهد

قاضی کم است

شهرزاد همتی: آمده‌اند که قاضی شوند، پسرانی که تازه پشت لبشان سبز شده؛ اما نه از نظر لباس‌پوشیدن و نه از نظر صحبت‌کردن شبیه هم سن و سال‌هایشان نیستند. کت و شلوارهای رسمی، پیراهن‌های مردانه‌ای که یقه‌اش را کیپ بسته‌اند، همان پیراهن‌های دیپلماتی که به یقه‌آخوندی معروف است. یکی‌درمیان هرکدام یک تسبیح توی دست دارند و انگشتر عقیقی هم توی انگشتان‌شان دیده می‌شود. دانش‌آموزانی که رتبه‌های زیر ۵۰۰ کنکور سراسری هستند و اگر به رشته حقوق علاقه داشته باشند و در سر آرزوی قاضی‌شدن بپرورانند، حتما در سال‌های دبیرستان به آن مجتمع آموزش عالی در کمرکش خیابان خارک فکر کرده‌اند. دانشجویانی که دلشان می‌خواهد از همان روزهای اولی که به دانشگاه می‌روند، دغدغه شغلشان حل بشود و از همه مهم‌تر از سربازی هم معاف شوند. این دانشگاه جزء همان دانشگاه‌هایی است که به آن دانشگاه با مأموریت خاص می‌گویند. حالا این دانشجویان که در ترم اول دانشگاه برایشان کت‌وشلوارهای تروتمیزی هم دوخته شده، خیلی زود نوجوانی و جوانی را رها می‌کنند و مرد می‌شوند. از حرف‌زدن‌شان که شبیه طلبه‌ها می‌شود و از آرام صحبت‌کردن‌شان معلوم است که زود ماجرا را جدی گرفته‌اند. دانشگاهی را که پیمانکار قوه قضائیه است و قاضی تربیت می‌کند، خیلی‌ها خوب نمی‌شناسند و به گفته ناصر حسینی، مدیر روابط‌عمومی این دانشگاه، اگر این دانشگاه را خوب بشناسند، خیلی از رتبه‌های بالای کنکور بی‌برو‌برگرد مقصدشان را از خیابان انقلاب و دانشگاه تهران به سمت خیابان خارک کج می‌کنند.

دانشگاهی که مأموریتش خاص است و دانشجو بورسیه می‌کند، شرایط خاصی هم برای دانشجویانش دارد. بالاخره وقتی از اولین روز ورود به دانشگاه جزء دوران خدمتت حساب می‌شود، حقوق می‌گیری، از سربازی معاف می‌شوی و شغل آینده‌ات هم تأمین است؛ یعنی زیادی رویت حساب باز کرده‌اند؛ اما وقتی شرایط و ضوابط دانشگاه را می‌خوانی و در میان راه‌پله‌هایش قدم می‌زنی، اولین مسئله‌ای که نظرت را جلب می‌کند، حضور نزدیک به صفر زنان در دانشگاه است، انگار که دانشگاه علوم قضائی فقط قاضی مرد تربیت می‌کند؛ هرچند که مسئولان دانشگاه این را تکذیب می‌کنند؛ اما آنها هم تأیید می‌کنند که تعداد دانشجویان دختر یک‌سوم دانشجویان مردی است که این دانشگاه قبول می‌کند. هر دو آنها در دفتر روابط‌عمومی نشسته‌اند. روزهای اول است و هنوز خوابگاه را تحویل نگرفته‌اند. یکی با کت‌وشلوار طوسی و دیگری با کت و شلوار سورمه‌ای. هر دو عینکی و رفتارهایی بزرگ‌تر از آن رفتاری که از یک نوجوان ۱۸ سال داری، از آنها سر می‌زند. منطقی و شمرده حرف می‌زنند. می‌گویند به خاطر روحیه‌شان آنهایی که از قبل با آنها آشنایی داشته‌اند، روحیه‌شان را منطبق با قضاوت می‌دانسته‌اند. شاید برای همین از همان روزهای ابتدایی کلاس دوم دبیرستان این دو رفیق مشهدی دانشگاه علوم قضائی را نشانه گرفتند و امروز به هدف زدند.

مجید پهلوان، با رتبه ۲۰۵ علوم انسانی حالا دانشجوی بورسیه دانشگاه علوم قضائی است. او می‌گوید: «این‌طوری نبود که یک مرتبه انتخاب کنم. دو، سه سال است که من و دوستم این دانشگاه را رصد می‌کنیم؛ حتی در کانال تلگرامی‌اش هم عضو شدیم، از اول هم به آن علاقه داشتیم. من از اول کار قضاوت را دوست داشتم، دو، سه نفری در فامیل بودند که قاضی بودند و من را به این رشته سوق دادند». مجید می‌گوید رشته قضاوت آرامش، عدالت می‌خواهد که او سعی کرده همه اینها را در خودش تقویت کند، در همه این سال‌ها که دلش خواسته حقوق بخواند، هیچ‌وقت به سرش نزده که دانشگاه‌های دیگر را انتخاب کند و بعد از طریق کانون وکلا پیش برود، می‌گوید روندش سخت‌تر است و تکلیف شغلش هم معلوم نیست، مضاف بر آن به اندازه کافی و بیش از ظرفیت وکیل داریم؛ اما قاضی کم است.

مهدی عنابستانی، متولد ۷۷ است، رتبه‌اش ۸۱ با سهمیه است. او می‌گوید که از آنجا که منصب قضاوت، ارزشی والا در فقه اسلام دارد، ویژگی‌های باریک و دشواری برای قاضی قرار داده شده است.

محسن قصابان، رتبه شش کنکور سراسری، یکی دیگر از دانشجویانی است که امسال وارد دانشگاه علوم قضائی شده. او از طریق خواهرش که بورسیه دانشگاه علوم قضائی بوده، با اینجا آشنا شده و برای همین تصمیم می‌گیرد که در این دانشگاه درس بخواند. او درباره رشته انتخابی‌اش می‌گوید: «در رشته‌ای که انتخاب کرده‌ام، باید اخلاق و قانون رعایت شود و دلم می‌خواهد که قاضی عادلی باشم». محسن هنوز برای گرایش انتخابی‌اش تصمیم نگرفته؛ اما حداقل این است که از آینده خیالش راحت است. او می‌گوید: «اینجا دو مرحله گزینش شدم، یک مرحله سؤالات روان‌شناسی پرسیدند تا ببینند روحیه‌ام به درد کار قضاوت می‌خورد یا نه. گزینش دوم عقیدتی-سیاسی بود و سؤالات سیاسی و مذهبی می‌پرسیدند. اگر این دو مرحله را قبول می‌شدی، بر حسب رتبه و امتیازت تو را قبول می‌کردند».در نظر اسلام، منصب قضا در میان دیگر منصب‌ها، فروزنده چراغی است که جامعه از آن پرتو می‌گیرد. قاضی در اصطلاح فقه، کسی است که میان مردم حکومت کند و درباره اختلاف و نزاع، فصل خصومت کند؛ پس معنای اصطلاحی و لغوی قاضی یکی است و فرقی با هم ندارند. برای همین همه تلاش‌مان را می‌کنیم که دانشجویان خوبی باشیم که آخرش هم قاضی خوبی بشویم... .

دکتر علی‌اکبر فرحزادی، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشگاه، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این سؤال که دلیل حضورنیافتن زنان در دانشگاه چیست و آیا این دانشگاه به جداسازی جنسیتی معتقد است، می‌گوید: «دانشگاه علوم قضائی یک دانشگاه با مأموریت خاص است؛ یعنی دانشجوی این دانشگاه اینجا تحصیل نمی‌کند و بعد شغلش را خودش انتخاب کند؛ بنابراین دانشگاه از بدو تأسیس در حکم پیمانکار قوه قضائیه است. همان‌طور که اشاره کردید، در قوانین ما مقرراتی در زمینه استخدام و به‌کارگیری قضات وجود دارد و البته دانشگاه ما سال‌ها دانشجوی خانم گرفته است. قضات خانمی که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند، در بسیاری از محاکم حضور دارند؛ الان هم ما جداسازی جنسیتی نداریم. مثلا دانشگاه امام صادق(ع) که جزء بهترین دانشگاه‌های ایران است اما جداسازی جنسیتی دارد. آنجا واحد خواهرانش کلا جداست ولی دانشگاه علوم قضائی این‌طور نیست. در همین سایت مرکزی ما اگر دقت کنید، می‌بینید که کارمندان خانم کم نداریم و دانشجویان زن هم هست؛ البته نه به تعداد آقایان، به این علت که بازار کار این افراد مشخص است و در این بازار کار به‌صورت طبیعی و مساوی وجود ندارد. به‌صورت‌کلی کار قضاوت بسیار سنگین است و البته در کشور ما به‌دلیل تراکم پرونده‌ها، کار طاقت‌فرسایی است. در اسلام هم درباره قضاوت زنان گفته نشده که زنان حق قضاوت ندارند، بلکه گفته‌اند زنان تکلیف قضاوت ندارند و این خیلی متفاوت است؛ اینکه به این کار به‌عنوان حق نگاه شود و یا تکلیف. در گذشته به عالمان دینی وقتی می‌گفتند قاضی شو، به‌خاطر سنگینی کار و مخاطراتش قبول نمی‌کردند. ما همین امسال هم خانم‌های دانشجوی بورسیه پذیرفته‌ایم؛ یعنی به‌صورت مرتب این اتفاق می‌افتد. البته آنها در مقطع ارشد و دکترا تحصیل می‌کنند. ما در همه رشته‌ها علی‌الخصوص رشته حقوق خانواده بیشتر دانشجوهایمان خانم هستند و بیشترشان بورسیه قوه قضائیه هستند. مطابق قوانین جدید در همه دادگاه‌های خانواده باید قاضی خانم وجود داشته باشد، بنابراین قوه قضائیه هم به شیوه آزاد و هم از طریق همین دانشگاه قاضی زن پذیرش می‌کند؛ یعنی تفکیک جنسیتی به آن معنا که دیواری بین زنان و مردان وجود داشته باشد، نیست. البته ما حدود پنج، شش سال متوالی دانشجوی خانم به میزان دانشجوی مرد گرفتیم و در بدو مأموریت آقای لاریجانی در قوه قضائیه که به خدمت ایشان رسیدیم، تأکید کردند به هیچ عنوان با پذیرش دانشجوی خانم مخالف نیستم اما باید بر حسب نیاز آنها پذیرش بشوند. چون مدیران دادگستری کشور پس از پذیرش قاضی خانم دچار دردسر می‌شوند، چون قاضی سرباز نظام است و هر جایی که اعلام نیاز می‌شود، باید برود نقطه صفر مرزی و جنوبی‌ترین و شمالی‌ترین نقاط کشور. این مسئله ممکن است خانم‌ها را دچار مشکلات عدیده بکند».

در همه رشته‌ها علی‌الخصوص رشته حقوق خانواده بیشتر دانشجوهایمان خانم هستند و بیشترشان بورسیه قوه قضائیه هستند. مطابق قوانین جدید در همه دادگاه‌های خانواده باید قاضی خانم وجود داشته باشد، بنابراین قوه قضائیه هم به شیوه آزاد و هم از طریق همین دانشگاه قاضی زن پذیرش می‌کند، یعنی تفکیک جنسیتی به آن معنا که دیواری بین زنان و مردان وجود داشته باشد، نیست

او همچنین در ادامه در پاسخ به این سؤال که چه پارامترهایی در انتخاب دانشجو مدنظر مسئولان دانشگاه است، می‌گوید: «اینکه یک دانشجو در کنکور و یک رقابت نفس‌گیر رتبه آورده، کم نیست. البته از میان این رتبه‌های برتر هم چندبرابر ظرفیت معرفی می‌شوند که به‌صورت اجمالی مسائل فردی آنها هم مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنها تست روان‌شناسی و شخصیتی گرفته می‌شود و شاید مثلا از هر سه دانشجو یک دانشجو پذیرفته می‌شود و گاهی حتی این نسبت کمتر بوده است. چون روش ما، روش متمرکز با شرایط خاص است. حدود ۱۰ دانشگاه متمرکز با شرایط خاص داریم که وقتی داوطلب انتخاب رشته می‌کند، اسمش را سنجش براساس رتبه کل به ما می‌دهد، دانشگاه‌های شبیه ما ۱۰ روز فرصت احراز صلاحیت دانشجویان را دارند . مصاحبه‌های تخصصی، علمی، اعتقادی و روانشناختی گرفته و نتیجه را اعلام کنند. در دوره‌ای این ۱۰ روز سه ماه بود و دانشگاه فرصت سه‌ماهه احراز صلاحیت داشت که آن زمان امکان و فرصت تحقیقات محلی هم بود. وی در پاسخ به این سوال که به‌صورت‌کلی جدا از مسائل اعتقادی، علقه‌های سیاسی آنها هم مورد بررسی قرار می‌گیرد، گفت: «خیر. همین که در چارچوب نظام باشد، کفایت می‌کند. کسی که قرار است جان و مال و ناموس مردم در اختیارش باشد، به‌هرحال باید خطوط کلی نظام را پذیرفته باشد و اصلا تعلقاتش به احزاب و مرام‌های سیاسی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. چنان‌که ما در انتخابات دانشجوهایی با بینش‌هایی متفاوت داشتیم. هرچند قاضی نباید وابستگی سیاسی داشته باشد، فکر و بینش سیاسی لازمه دانشجوی ماست؛ اما وابستگی سیاسی خیر».دکتر فرحزادی که در دانشگاه شهید بهشتی حقوق خصوصی تدریس می‌کند درباره نحوه انتخاب دانشجویان نیز می‌گوید: «این دانشگاه یک دانشگاه شغلی است. انتخاب شغل قضاوت جسارت می‌خواهد. دانشگاه شهید بهشتی البته یک اقیانوس است و چندین‌هزار دانشجو دارد و بیش از دانشجویان ما هیئت علمی دارد. آنجا دانشجوها هنوز هیچ تصمیمی نگرفته‌اند، دانشجوی ما تصمیمش را از ابتدا گرفته؛ اینجا دانشجویان بورسیه همه قاضی می‌شوند. ما در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجوی غیربورسیه نداریم. در واقع آنها یک تعهد محضری خدمتی دارند که دو برابر دوره تحصیلشان به قوه قضائیه خدمت کنند. بنابراین آنها فقط قرار است قاضی بشوند؛ مگر اینکه هزینه‌های تحصیل را پرداخت کنند و مقرری ماهانه که دریافت کرده‌اند را پس بدهند».به گفته فرحزادی در این دانشگاه رشته علوم قضائی تدریس می‌شود که با رشته حقوق هم‌پوشانی کامل دارد؛ یعنی همه واحدهای رشته حقوق در علوم قضائی تدریس می‌شود و براساس اساسنامه دانشگاه آموزه‌های فقهی نیز بسیار مورد توجه است. دانشجوی این دانشگاه بیش از یک‌چهارم درسش فقه و متعلقات فقه است تا مطابق اصل ۱۶۷ بتواند در خلأ قانون به منابع فقهی مراجعه کند؛ بنابراین درس ادبیات عرب مورد توجه این دانشگاه است.

یادداشت

آغاز مهر و حال آموزش‌وپرورش

مهدی بهلولی*

● آغاز مهرماه، آغاز دوباره مدرسه‌هاست. مهرماه، آغاز پاییز طبیعت است؛ اما برای آموزش، آغاز بهار است. از شوروشادی کودکان می‌توان این بهار را در کوچه و خیابان دید و احساس کرد. نزد ایرانیان قدیم هم روز اورمزد، در همین روزها بوده است. به گفته فردوسی بزرگ: «همان اورمزد و همان روز مهر / بشوید به آب خرد جان و چهر» و قرار ما هم در مدرسه همین است که با آب و خرد، جان و چهر بشوییم؛ اما مهر یک مناسبت آموزشی برجسته جهانی را هم با خود همراه دارد؛ پنجم اکتبر (۱۳ مهر) روز جهانی آموزگار. یونسکو سال‌هاست به مناسبت این روز شعاری اعلام می‌کند و شعار امسال (۲۰۱۷) «TeachinginFreedom,EmpoweringTeachers» (آموزش در آزادی، اختیاربخشیدن به آموزگاران) است. البته یونسکو در تارنمای خود همراه با این شعار، پیامی هم منتشر کرده است که در بخشی از آن از عضوهای خود می‌خواهد: «تضمین کنند که آموزگاران و آموزشگران، اختیارمند هستند، به اندازه کافی استخدام می‌شوند، به خوبی آموزش می‌بینند، از نظر حرفه‌ای، کیفی و انگیزه‌مند هستند و در نظام‌های دولتی کارا و کارآمدی مشغول به کارند که از نظر مالی به خوبی تأمین اعتبار می‌شوند». تأکید بر اختیارمندی و قدرت‌مندی آموزگاران در شعار ۲۰۱۵ یونسکو هم دیده می‌شود. نگاهی کوتاه بر پیام یونسکو، روشن می‌کند این نهاد جهانی، راه بهسازی آموزش‌وپرورش را چگونه می‌بیند. تأکید بر داشتن آموزگارانی کیفی که از اختیار بایسته برخوردارند و نظامی آموزشی که دغدغه مالی ندارد، شیوه‌ای در بهسازی آموزش است که با آنچه در برخی کشورهای جهان و از آن میان ایران می‌گذرد، چندان همخوانی ندارد. اکنون که نگارنده مشغول نوشتن این یادداشت کوتاه است، سخن از هزار میلیارد تومان بدهی آموزش‌وپرورش به فرهنگیان سراسر کشور است. ایران، به گواه بسیار، کشوری ثروتمند است و با شاخص تولید ناخالص داخلی، یکی از ۲۰ کشور نخست جهان به‌شمار می‌رود؛ اما از نظر سهم آموزش‌وپرورش از تولید ناخالص داخلی، تقریبا در ردیف صدم جهان به بعد قرار می‌گیرد. خوشبختانه دیگر کمترکسی پیدا می‌شود که ادعا کند وضعیت آموزش‌وپرورش ما خوب است و ما هم به اندازه کافی، برای آموزش هزینه صرف می‌کنیم. چند سال پیش، این‌گونه نبود و بسیاری از مسئولان این واقعیت‌ها را انکار می‌کردند. در بهسازی‌های آموزشی کامیاب جهانی، یکی از بخش‌های برجسته، وجود تربیت معلم کیفی است. چندی پیش، در برنامه «پرسشگر» تلویزیون، محمود مهرمحمدی، سرپرست دانشگاه فرهنگیان ایران، از حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان نیاز مالی سخن می‌گفت که این دانشگاه اکنون نیازمند آن است تا بتواند کار خود را بدون نیازهای مالی شدید، پیش ببرد. آنچه از زبان دانشجو- آموزگاران دانشگاه فرهنگیان شنیده می‌شود و در فضای مجازی بازتاب می‌یابد، نشان می‌دهد وضعیت این دانشگاه به‌هیچ‌رو امیدوارکننده نیست. بگذریم از اینکه برخی بر این باورند که بهتر است هرچه می‌توان از شمار دانشجویان این دانشگاه کاست و از دانش‌آموختگان بی‌کار به‌جای آنان به صورت حق‌التدریس بهره گرفت. به‌هرحال در آغاز مهر هستیم و «حال آموزش‌وپرورش خوب نیست».

*آموزگار و کنشگر صنفی، ۳۰ شهریور ۹۶

جدول ۲۹۲۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کاغذ مصریان قدیم- هراس‌انگیز- وسط، میان ۲- عیب و نقص- نویسنده صاحب سبک و فقید ادبیات ایران و خالق اثر دریا هنوز آرام است ۳- کلام روان و شیوا- چاره اندیش- سوره ششم قرآن ۴- ورزش یک‌رقمی!- بیشترین حد- تصور و خیال ۵- بهبود زخم- شاعر مشهور دوره مشروطه- داروی بی‌هوشی ۶- بافته شده- آماده و فراهم- تعجب زنانه ۷- اولین شهر تاریخی ما که در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید- تالاب دیدنی شهر گنبد کاووس- نزاع ۸- مادر اختراع است- بی‌هوشی- چند ذره ۹- تکاپوی بسیار و بی‌حاصل- موجب وحشت- پرستار ۱۰- رمق آخر- روده‌ها- یکی پس از دیگری ۱۱- آهار زده- جنگ‌افزار دستی آتشی- جشن میلاد ائمه (ع) ۱۲- سهل و ساده- سرزنش- پول آلبانی ۱۳- لاستیک مخصوص حرکت خودرو در جاده‌های برفی- ترسناک- نشانه اختصاری سازمان بهره‌وری انرژی ایران ۱۴ - فیلمی ساخته مازیار میری با بازی غزل شاکری- شهر آلمان ۱۵- زمینه- زبان کوچک- دوست‌داشتنی.

عمودی:

۱- حفاظت- فیلم‌نامه‌نویس ۲- نهمین ماه سریانی- زنگ فلز- ناشی و بی‌تجربه ۳- فرشته- اضافه‌کردن به مدت مقرر- حلقه فلزی یا پلاستیکی جهت توزیع بار پیچ‌ومهره ۴- گلی زیبا- صدا- سیستم فرانسوی نمایش تصویر رنگی در تلویزیون ۵- جای پا- مخالف- الکل چوب ۶- پولدار، ثروتمند- گندیدگی- دو یار هم‌قد ۷- بدون نقش و نگار- مسجد منسوب به امام زمان (عج) در قم- چشم‌چران ۸- سرپوش لامپ- دیروز عرب- فراخ ۹- گذرگاه- عمومی- وسط ۱۰- حیوان وحشی- همسر گزیدن- کامل‌کردن ۱۱- تولید مثل- تیزهوشی- صدای زنبور ۱۲- داروغه- پاداش- نخستین رئیس‌جمهور روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ۱۳- چو حل گشت آسان شود-آش هفت‌دانه- لیکن ۱۴- پرچم- فرکانس- وسیع و با صفا ۱۵- دریاسالار- تولید یک نوع کالا به صورت انبوه.

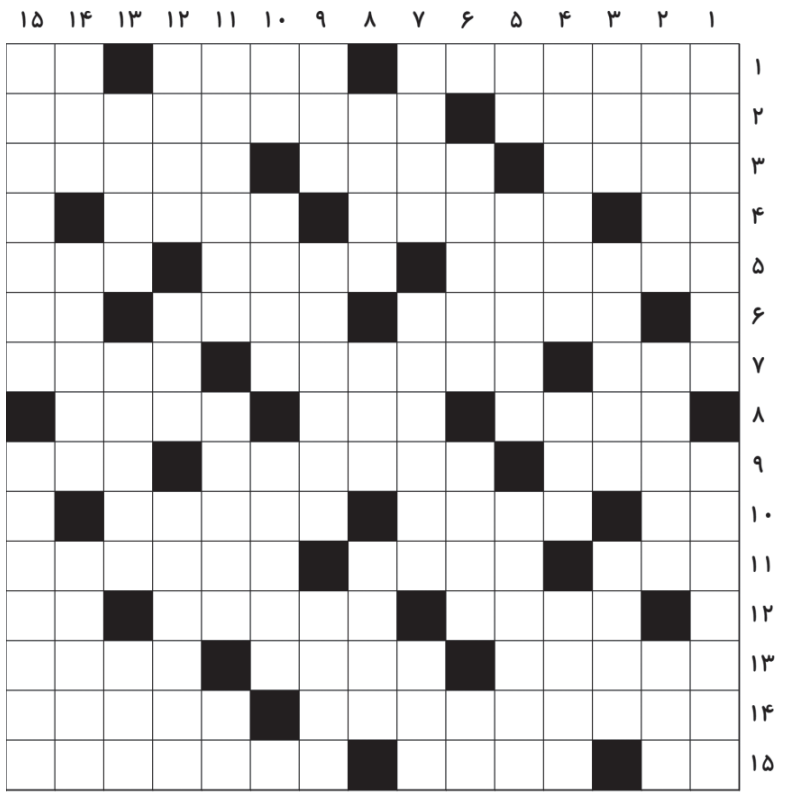

حل سودوکو سخت

۶	۲	۸	۳	۱	۵	۴	۷	۹
۴	۷	۵	۸	۲	۹	۶	۱	۳
۱	۳	۹	۷	۶	۴	۵	۸	۲
۵	۴	۱	۲	۸	۶	۳	۹	۷
۷	۹	۲	۴	۳	۱	۸	۵	۶
۳	۸	۶	۵	۹	۷	۱	۲	۴
۸	۱	۷	۶	۴	۲	۹	۳	۵
۹	۵	۴	۱	۷	۳	۲	۶	۸
۲	۶	۳	۹	۵	۸	۷	۴	۱

حل سودوکو ۱۹۲۴

۵	۶	۸	۹	۴	۳	۲	۱	۷
۴	۲	۳	۶	۱	۷	۸	۹	۵
۷	۹	۱	۸	۵	۲	۶	۴	۳
۱	۷	۹	۴	۲	۵	۳	۸	۶
۶	۳	۴	۱	۷	۸	۹	۵	۲
۸	۵	۲	۳	۹	۶	۴	۷	۱
۹	۱	۵	۲	۳	۴	۷	۶	۸
۳	۴	۶	۷	۸	۱	۵	۲	۹
۲	۸	۷	۵	۶	۹	۱	۳	۴

جدول ۲۹۲۸

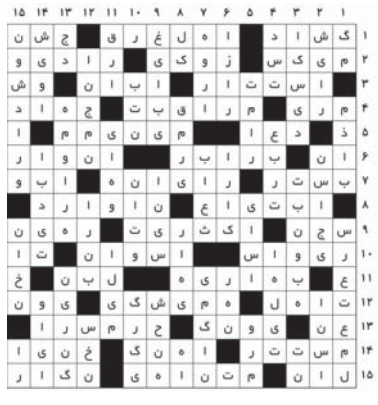

سودوکو سخت ۱۹۲۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳	۱	۹		۷				
		۲				۶	۹	
۵				۱	۲	۴		
	۵	۳				۹		۴
		۶			۳	۱		
		۷	۸					۳
	۸		۲	۶	۷			
		۴	۵					
						۸	۲	۹

سودوکو ۱۹۲۵

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۶		۵		۲	۸		
۵	۴				۳			
		۷	۴	۱	۸	۶		
			۳		۹	۷		۸
	۵	۹	۶	۸			۲	
۷		۲	۱		۴		۶	۳
		۵	۸		۶	۲	۱	۹
	۷		۲			۳		
			۹		۱			۴